

سبک نگرش



کرکره کار و تلاش را با توهم شانس پایین نکشیم

زندگی عرصه سخت آزمایی است نه بخت آزمایی

■ مرزیه مابیری

شما داخل یک اتوبوس شهری هستید که بین راه واژگون می شود. تقریباً تمام مسافران جانشان را از دست می دهند یا مجروح می شوند اما شما بدن تان آخ نمی گوید و با وجود شدت ضرب به شما می مانید. یا در مسیری منتظر تاکسی هستید و خیلی طول نمی کشد که یک تاکسی شما را سوار می کند. مسافر کناری تان می گوید: «شما خیلی خوش شانس هستید. این مسیر معمولاً تاکسی به ز حمت یافت می شود آن هم اغلب ظرف مدت مسافرشان تکمیل است.»

خوش شانس، بدشانس، خر شانس!

آیا همین که گاهی کارهایتان به آسانی انجام می شود و خیلی از کارهای پیچیده اداری برای شما شسته رفته بوده و بدون هیچ معطلی انجام شود شما را خوش شانس می کند؟ آیا اگر از یک پروازی که قرار است دقایقی دیگر سقوط کند جا بمانید، آن را به حساب خوش شانس خود می گذارید؟ شما را نمی دانم اما بسیاری از افراد، خوش شانس را در همین کارهای پیش افتاده و اتفاقی می دانند. اگر مودع مرگشان فرانسیده باشند آن را به حساب خوش شانس می گذارند. دیداید مادرها که به دخترشان می گویند پیشانی ات بلند باشد! منظورشان از پیشانی بخت و اقبال است. وقتی دختری از زیبایی چهره اش می نالید می گفتند زیبایی مهم نیست مهم این است که پیشانی اش بلند باشد. شرایط زندگی خوبی نداشتند، بعضی شان پول نداشتند و برای اثبات حرفشان هم دخترهایی را مثال می زدند که شرایط زندگی خوبی نداشتند، بعضی شان پول نداشتند و بعضی پدرشان معناد بود اما بهترین خواستگارها شیفته شان می شد و کارشان به ازدواج می کشید. در حالی که بسیاری از دختران متمول هنوز در خانه بودند و برای در زدن خانه توسط خواستگار به فال قهوه و دعانویس پناه می بردند. حتی در قصه ها هم دختران فقیر شامل عشق افسانه ای شاهزاده ها می شوند و بسیاری از قصه های جذاب از همین خوش اقبالی سرچشمه می گیرد.

همه این جمله ها یک ضعف مشترک دارند و آن هم اینکه تقدیر و زندگی یک فرد را با دلیل پیش افتاده شانس می سنجند. اصلاً کار بشتر همین است که هر چیز را نتوانست توجیه برایش پیدا کند و نتوانست با عقل تطبیق دهد به حساب خوش شانس یا بدشانسی بگذارد. خرشانس هم از همین دست حرف هاست. وقتی از هر طرف شانس بیاموری و کارت راه بیفتد یا مثلاً در یک قرعه کشی برنده شوی و یا حسابی را سال ها قبل در بانک داشته و فراموش کرده باشی اما ناگهان با تو تماس بگیرند که برنده میلیون شده ای به تو می گویند خرشانس. احتمالاً بدونی به خوشی از تو می خواهند دستی به سرشان بکشی تا شانس تان به آنها سرایت کند.

هیچ کس خوش شانس به دنیا نیامده

من می گویم خوش شانس اتفاقی نیست. هیچ کس خوش شانس به دنیا نیامده است. این روزها خیلی از جوان ها وقتی از تلاش و دودین خسته می شوند می گویند دودین بی فایده است. آنها که همه چیز دارند از شانس شان است. می گویند خدا به هر کس بخواهد می دهد و به هر کس نخواهد بیش از این نمی دهد. زود خسته می شوند و دست از تلاش و امید برمی دارند. فکر می کنند با تلقین بدشانس بودن به خودشان می توانند از زیر کار و فعالیت شانه خالی کنند. واقعاً بدشانسی دلیل خوبی برای وادادن نیست. انهایی موفق می شوند و به خواسته هایشان می رسند که در جا نمی زنند و لحظه ای ناامیدی به خود راه نمی دهند. خیلی ها که الان پولدار هستند در پچی مثل ما بودند. یک زندگی معمولی با امکانات شاید محدودتر از ما. آنها فعل خواستن را برای استجابت از زوهایشان صرف کردند، پاعلی گفتند و روی پاهایشان ایستادند تا به خواسته هایشان برسند. خیلی ها

که الان بازاری هستند و بچه هایشان ملقب به بچه پولدار، از شاگردی حجره شروع کرده اند. آنها بر خلاف جوان های امروزی ره صد ساله را یک شبه طی نکرده اند و برای خشت خشت خوشبختی هایشان عرق ریخته اند. آنها تلاش کردند تا زندگی و سرنوشت فرزندان خود را تغییر دهند. حالا اگر آنها به واسطه آینده نگری پدرشان زندگی مرفهی دارند بحث دیگری است.

اگر قرار باشد همه چیز بر پایه شانس و اقبال باشد پس تکلیف این همه علم و کشفیات چه می شود؟ خب اصلاً چرا به خودمان زحمت بدهیم درس بخوانیم؟ اگر خوش شانس باشیم سوالاتی در کنکور می آید که همه را بلد باشیم اگر هم بدشانس باشیم مرور ۱۰ باره درس ها هیچ کمکی نمی کند. اگر زندگی بر پایه شانس است چرا بیمارها دنبال علاج می روند؟ به نظر شما یک تست بخت آزمایی بدهند بهتر نیست؟ اگر خوش شانس باشند بیماری خوش خیم است و بساطش را از بدن فرد جمع می کند و بی صدا می رود، اگر هم خوش اقبال نباشد دیر یا زود بیماری او را از پا در می آورد. اگر این گونه باشند خوش شانس ها همیشه زنده می مانند و بدشانس ها با حضرت عزرائیل مواجه می شوند.

کرکره زندگی تان را پایین نکشید

شانس فقط یک کلمه است. وجود دارد اما تأثیرش آن قدرها نیست که آدم ها بخواهند به خاطرش کرکره زندگی شان را پایین بکشند. بعضی ها عادت دارند مدام تاله کرده و شوربختی خود را فریاد کنند. اما بهانه هایشان واهی است. بعضی اتفاقات زندگی در اختیار ما نیست و ما نقشی در انتخابشان نداشته ایم. پس واژه خوش شانس یا بدشانسی بی معنی است. وقتی ما خودمان مادر یا پدر خود را انتخاب نکرده ایم، وقتی خودمان نگفته ایم کجا به دنیا بیاییم یا خواهر و برادرمان چه کسانی باشند. یا حتی قدرت نداشته ایم فرهنگ که با آن رشد می کنیم را تغییر دهیم چطور می توانیم خودمان را بدشانس یا خوش شانس بدانیم؟ خوش شانس و بدشانسی فقط یک تلقین ذهنی است. انرژی درمان ها هم از قانون جذب سخن می گویند. یعنی به هر چه فکر کنی و تمرکز کنی همان برایت رخ می دهد. خواه خوب باشد خواه بد! بعضی ها به این باور رسیده اند که خوش شانسند پس اعتماد به نفس بالایی دارند و همیشه منتظر اتفاقات خوب هستند. آنها توانایی کشف فرصت ها را دارند و در هر حالی



سبک زندگی



اگر قرار باشد همه چیز بر پایه شانس و اقبال باشد پس تکلیف این همه علم و کشفیات چه می شود؟ خب اصلاً چرا به خودمان زحمت بدهیم درس بخوانیم؟ اگر خوش شانس باشیم سوالاتی در کنکور می آید که همه را بلد باشیم اگر هم بدشانس باشیم مرور ۱۰ باره درس ها هیچ کمکی نمی کند. اگر زندگی بر پایه شانس است چرا بیمارها دنبال علاج می روند؟ به نظر شما یک تست بخت آزمایی بدهند بهتر نیست؟

از یا نمی شناسد. مثل همیشه راه خودتان را می رود که یک دفعه شانس به شما رو می کند و یک اسکناس پیدا می کنید. بارها هم شده که دقیقه ۹۰ از مرگ حتمی یا بلانچات یافته اید. ۳۰ ثانیه بعد از عبورتان از پیاده رو تصادف شده یا درست بعد از پیاده شدن شما از مترو، قطار دچار نقص فنی شده و متوقف می شود.

با همه این تفسیرس آیا شما یک فرد خوش شانس هستید؟ یا فقط گاهی شانس به شما رو می کند؟ برای شما چه سندهای روشنی وجود دارد که خودتان را خوش شانس یا بدشانس بدانید؟

را بگویند. او بدون اینکه به آنها بگوید، یک آگهی درشت با رنگ جیغ و وسط صفحه چاپ کرد و در آگهی خواست هر کس آن را دیده و با ویزمن نشان داد جایزه چند صد دلاری می گیرد. جالب است که شرایط برای همه یکسان بود اما آنها که معتقد به خوش شانس و خوششان بودند، آگهی را دیدند ولی بدشانس ها سرسری عکس را رد کردند. او ثابت کرد خوش شانس ها موقعیت ها را جذب می کنند و بیشتر در معرض شرایط مطلوب قرار می گیرند.

ترویج تنبلی در بخت آزمایی های تلویزیونی

بعضی ها در خانه می نشینند و پای تلویزیون تخمه می شکنند و منتظر می شوند تا گر دونه شانس از تو ی قاب تلویزیون بچرخد و روی عدد آن توقف کند. آنها منتظرند یک معجزه رخ دهد و با یک جایزه بزرگ زندگی شان یک شبه زیر و رو شود. خیلی ها محصولات حاوی کد جایزه را فراوان می خرند تا شاید یکی از کدها موجب خوش شانس شود و قرعه به نامشان بیفتد. تلویزیون این روزها تبدیل شده به گیشه بخت آزمایی و تنبلی را رواج می دهد در حالی که زندگی واقعی عرصه آزمون های سخت است تا انسان آبدیده شود. مدام این گردونه شانس از شبکه های را طراوت بیخشند. جوان های تا مردم را جذب قرعه کشی های جذاب کند. هر بار یک محصول کل کرده و جایزه های خوش همه را اوسوسه می کند. گاهی مسابقات تلفنی سیما شرم آور است. یعنی کافی است گوشی را بر داری و تماس بگیری. حتی اگر درست جواب ندهی و حتی اگر معلومات نداشته باشی می توانی میلیی را برنده شوی.

جوان ها زیادی را می شناسم که به این قرعه کشی ها دل بسته اند زندگی شان را طراوت بیخشند. جوان های زیادی را می شناسم که هر چه دارند خرج خرید محصولات می کنند تا با کدهای بیشتر شانس شان را بیشتر کنند. حتی کودکان هم به اسباب بازی های شانس رو آورده اند تا از همان دوران طفولیت بیذیرند زندگی می شناس است و متأسفانه هر روز بیش از قبل رواج می یابد. این روزها کلمه شانس بیش از هر جایی در قاب تلویزیون شنیده می شود؛ فرهنگ که مردم را به سمت شانس بودن خوشبختی سوق می دهد و برای قرار گرفتن در جرگه خوش شانس ها باید آزمون و خطا کنند.

رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با هزاران نفر از کارگران صنایع مختلف، توانایی هایی ملت ایران و جوانان مستعد را فراتر از وضع فعلی خواندند. ایشان تأکید کردند باید فرهنگ کار و تولید و تلاش را ترویج کنیم و روحیه انتظار برای ثروت های بساد آورده را از بین ببریم و روش هایی شبیه بخت آزمایی را ترویج ندهیم که دستگاه های مختلف از جمله صدا و سیما باید متوجه این معنا باشند.

آیت الله مکارم شیرازی نیز در خصوص یکی از برنامه های صدا و سیما که بر طرقدار بوده و هیچ کس از آن بی نصیب بیرون نمی رفت گفته اند اگر به عناوین مختلف از مردم پول بگیرند و از آن مبلغ به مردم جایزه بدهند، این قمار است و اشکال دارد.

خلاصه اینکه صنعت قمار یکی از پرسودترین صنایع جهان است و مبنای آن بر اشتیاق افراد برای یک شبه پولدار شدن است. مردم زیادی خرید بر که های شانس را راحت تر از تحرکات اجتماعی ضعیف می دانند و نظام سرمایه داری از این نیاز مردم با امیدهای واهی سوءاستفاده می کند. قمار و بخت آزمایی تنها صنعتی است که فقیرها را هم دست به جیب می کند، زیرا آنها به این بردن گفت انگیز بیش از دیگران محتاجند.

نگاه



نحسی گریه سیاه و معجزه مهره مار!

جیب رمال ها را با جهل مان پر نکنیم

بعضی ها تنبیلند، با پرچسب بدشانسی و طالع نحس داشتن، بی خیال دنیا می شوند و هیچ تلاشی نمی کنند. به جای آن منتظر معجزه می مانند. برای خرید شانس سراغ مهره مار می روند. حالا برایتان می گویم مهره مار چیست. این آدم ها حاضرند میلیون ها تومان هز بنه یک مهره کوچک کنند که معروف به مهره شانس است اما حاضر نیستند مغز خود را تکان بدهند و افکار پوسیده را دور بریزند. نمی خواهند بیذیرند شانس در ذهن آدم ها شکل می گیرد. این روزها انرژی درمانی های نوین همه تلاشش را می کند تا به آدم ها پیامزد هیچ خوش شانس ی ای در این دنیا اتفاقی نیست و هر کس می تواند سرنوشت خود را تغییر دهد.

در آپین و باورهای ما چا خوش کرده است، احتمالاً انهایی که از این نعل وارونه استفاده می کنند حتی دلیل خوش بمن بودنش را نمی دانند و فقط سینه به سینه این خرافات را منتقل کرده اند.

روایت است که اعتقاد خوش بمنی این نعل ها برمی گردد به واقعه تلخ عاشورا. وقتی سپاه دشمن سر مبارک حضرت امام حسین(ع) را روی زمین انداختند این زیاد دستور داد با شم اسب روی پیکر ایشان به تاخت بتازند. سربازان اندکی به نشانه پیروزی و جشن و پاکوبی نعل اسب هایشان را نو کرده و بر سر ایشان فرود آمدند. بعدها این نعل ها را که برایشان نماد خوش اقبالی در جنگ بود فروختند و کم کم این نعل وارونه شد نماد خوش اقبالی و متأسفانه برخی مسلمان نماها نیز جلالهات به چنین موضوعی اعتقاد دارند.

گریه بعدی مهره مار است. شنیده اید می گویند فلانی مهره مار دارد؟ می گویند فلانی حرف بزند بقیه بسی چون و چرا گوش می کنند؟ اصلاً مهره مار را می خرند برای جذب دیگران و تأثیر گذاری. مارگرهای زیادی در هند و دیگر نقاط جهان مشغول جمع آوری مهره ها هستند و آنها را به قیمت گزافی می فروشند. برای کارشان تبلیغات مفصلی می کنند و بیسن فرعی و اصلی بودن مهره ها را به رخ می کشند برای جذب مشتری. حالا چیست این مهره دلبر پرطرفدار که عده ای حاضرند برای خوش شانس شدن میلیون ها پول بدهند و مهره ای اندازه یک یا دو لیه به سه گردن بیابوزند؟ مهره ای که می گویند وقتی اثر می کند که دعای مخصوصش را بخوانی و وقتی اثر می کند که متعلق به مار ماده باشد. برای اثبات اصل بودن مهره ها این شیوه های خاص خودشان را دارند که اینجا مجال توضیحش نیست. فقط برایم جالب است بدانم اگر این مهره ها آن قدر معجزه آسانست و قرار است زندگی افراد را با دانشنش زیر و رو کند چرا زندگی رمال ها و مارگیرها را تکان نمی دهد؟ چرا خودشان برای اثبات ادعایشان هم که شده این مهره ها را برای پولدار شدن استفاده نمی کنند؟ اگر خرافه نیست پس چیست؟ در اینکه امروزه سنگ های درمانی اهمیت یافته و علم در این زمینه در حال گسترش است شکی نیست، در اینکه احتمالاً این مهره بار مغناطیسی آمریکایی ها بود برای دور شدن از نحسی. یکی دیگر از ابزاری که اهل خرافه و جهل می آورد نعل وارونه اسب است. بسیاری از مردم برای جذب شانس و اقبال، نعلی را به در خانه می آویزند و برای خوش اقبالی آن را در خانه نگه می دارند اما این هم یک فرهنگ غلط است که قرن ها پیش به اشتباه رایج شده و مثل هر فرهنگ غیر ایرانی دیگر



شنیده اید می گویند فلانی مهره مار دارد؟ می گویند فلانی حرف بزند بقیه بی چون و چرا گوش می کنند؟ اگر این مهره ها

آن قدر معجزه آسانست و قرار است زندگی افراد را با دانشنش زیر و رو کند چرا زندگی رمال ها و مارگیرها را تکان نمی دهد؟ چرا خودشان برای اثبات ادعایشان هم که شده این مهره ها را برای پولدار شدن استفاده نمی کنند؟

می کند و بس!